

۱۶۳۹۲
۱۶۸۹۴

۴۲

مجموعه‌های / فصلنامه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی



وفای به عهد و پیمان در قاموس قرآن، حدیث و آزاد مردان

محمد هادی سجادی

وفای به عهد در اسلام

خداوند بزرگ در قرآن کریم، خود را با وفاترین می‌شمارد و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ﴾؛ «چه کسی به پیمانش پای بندتر از خداست».^۱

خداوند منان، کمترین احتمال پیمان شکنی را نسبت به خود قاطعانه مردود می‌شمارد:

﴿فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ﴾؛ «خداوند هرگز پیمان شکنی نمی‌کند».^۲

آن‌گاه بندگان مؤمن خود را نیز به وفاداری و پای‌بندی به تعهداتشان فرا می‌خواند و از نقض عهد و بی‌وفایی باز می‌دارد. خداوند در آیه‌ای با بیان نشانه‌های خردمندان حق‌جو، بیش از هر چیز، وفای به عهد و پیمان را گوشزد می‌کند: ﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾؛ «آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند».^۳

خداوند حکیم در آیه دیگری، وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می‌خواهد و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید».^۴

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز وفای به عهد را از شرایط اساسی ایمان می‌داند^۵ و حضرت امیر (علیه السلام) نیز در فرمان خود به مالک اشتر به اهمیت این مسئله در اسلام و جاهلیت اشاره می‌کند و آن را مهم‌ترین و عمومی‌ترین قانون اجتماع می‌شمارد.

اگر با دشمنی پیمانی بستی تا او را در پوشش پناه خویش بگیری، به پیمان خویش وفادار بمان و ذمه‌ات را با امانت کامل پاس دار و جان خود را سپر عهد و پیمان خویش قرار ده که در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفا به عهد در میان مردم جهان، با تمام اختلافاتی که با هم دارند، مورد اتفاق عمومی نیست. تا آنجا که مشرکان نیز پیش از مسلمانان در روابط خود بدان پای‌بند بودند؛ زیرا از پیامدهای پیمان شکنی خاطرات تلخی داشتند.^۶

ضرورت وفای به عهد و پیمان

احترام به پیمان و لزوم عمل به آن ریشه فطری دارد. هر انسانی لزوم عمل به پیمان را در نخستین مدرسه تربیت، یعنی فطرت و سرشت انسانی می‌آموزد و از آن الهام می‌گیرد. کودکان در آغاز زندگی، با سرشت پاک خود، عمل به پیمان را لازم می‌دانند. پیمان شکنی را نكوهش می‌کنند و از پیمان‌های تو خالی برخی پدران و مادران ناراحت می‌شوند. کودکان با این احساس، رشد می‌کنند.

به خاطر فطری بودن این اصل در جامعه انسانی، نقض عهد و پیمان شکنی از رذایل اخلاقی شمرده می‌شود و ضربات شکننده و جبران‌ناپذیری بر شخصیت و انسانیت فرد، وارد می‌سازد و در صحنه‌های سیاسی، هیچ چیز رسواتر از پیمان شکنی نیست. تنها ملتی عزیز است که به تعهدات خود عمل کنند و آنها را محترم بشمارند.

قرآن مجید، دستور می‌دهد تا به عهد و پیمان خود پیوسته وفادار باشیم و بدانیم که در برابر خدا مسئولیم: ﴿وَوَعْدُ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾؛^۷

«به عهد الهی وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید».

نیز می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾؛^۸

«به پیمان‌های خود وفادار باشید؛ زیرا از پیمان‌ها سؤال خواهد شد».

در آیه دیگر هم آمده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾^۹

«آنان (مؤمنین) به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند».

این سه آیه جایگاه پیمان را در قرآن روشن می‌سازد و اهمیت ویژه آن را بیان می‌کند.

نادیده گرفتن پیمان‌ها، جز خودخواهی و بی‌اعتنایی به حقوق دیگران و سبک شمردن شخصیت آنها علتی ندارد و فرد خودخواه و پیمان‌شکن، در سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نکوهش شده است، چنان که ایشان فرموده: «لا دین، لمن لا عهد له»؛^{۱۰} «آن کس که به پیمان خود وفادار نیست، مسلمان نیست».

رعایت پیمان‌ها حتی در برابر دشمنان

وفای به عهد و پیمان، تنها در محدوده روابط داخلی مسلمانان خلاصه نمی‌شود، بلکه مسلمانان موظفند در برابر بیگانگان، کافران و دشمنان نیز به تعهدات خود پای‌بند باشند. قرآن مجید، بزرگ‌ترین دشمن اسلام را یهود و مشرکان می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عِدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾^{۱۱}

«یهود و مشرکان را لجوج‌ترین دشمن نسبت به افراد با ایمان می‌یابی».

همین قرآن، هر زمان که پای پیمان به میان می‌آید، دستور می‌دهد که مسلمانان پیمان‌های خود را حتی با این گروه‌ها حفظ کنند و چیزی از آن کم نکنند؛ چنان که می‌فرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾^{۱۲}

«مگر با آنان که در نزدیکی مسجد الحرام پیمان بستید، تا آنان به پیمان خود وفادارند، شما نیز وفادار باشید، خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد».

با توجه به نکوهشی که قرآن درباره پیمان شکنان می‌کند، می‌توان از نظر اسلام در این باره به خوبی با خبر شد. این آیه را ببینید: ﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا إِنَّمُ الْكَافِرُ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾^{۱۳}

«اگر آنان پیمان‌های خود را شکستند و در آیین شما طعن زدند، سران کفر را بکشید برای آنان پیمانی نیست شاید آنان پرهیزند».

در آیه دیگر با شدت هر چه تمام‌تر دستور می‌دهد که با پیمان شکنان نبرد کنید؛ چنان که می‌فرماید:

﴿أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ﴾؛ «جز با گروه پیمان شکن نبرد

است. تا آنجا که برخی پیشوایان معصوم می‌فرمایند:
 «يَجِبُ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْوَفَاءُ بِالْمَوَاعِدِ»^{۱۷}

«بر فرد با ایمان لازم است به پیمان خود عمل کند».

متأسفانه پیمان شکنی و خلف وعده، امروزه در بسیاری از مردم به ویژه صنعت‌گران به وفور دیده می‌شود. البته گروهی هم به خاطر خودشیرینی چیزی را متعهد می‌شوند که توانایی اجرای آن را ندارند. این گروه غافلند که وعده‌های خارج از توانایی، از شخصیت انسان می‌کاهد و او را یک فرد غیر اصولی و بی‌مبنا معرفی می‌کند.

اسودهای وفاداری

برجسته‌ترین و زیباترین نمودهای وفاداری را می‌توان در میان پیامبران و رهبران الهی یافت. این بزرگ مردان هم خود بروفاداری به عهد و پیمان پای می‌فشرده و هم پیروان خود را به سوی این فضیلت بزرگ فرا می‌خواندند. قرآن کریم یکی از این الگوها را چنین یادآور می‌شود:

﴿وَ إِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ﴾^{۱۸}

«در این کتاب، اسماعیل را یاد کن، همانا که او در وعده‌اش راست‌گو و با وفا بود».

در تفسیر این آیه از امام صادق «علیه‌السلام» نقل شده است که حضرت اسماعیل با شخصی قرار گذاشت، ولی او در وعده‌گاه حاضر نشد. آن حضرت مدت زیادی در آنجا به انتظار نشست. به گونه‌ای که غیبت طولانی ایشان، سبب نگرانی پیروانش گردید. سرانجام فردی که بر حسب اتفاق از آنجا می‌گذشت، حضرت را دید و گفت: ای پیامبر خدا! ما بر اثر تأخیر شما نگران شده‌ایم. حضرت فرمود: من با فلان کس در اینجا وعده دیدار دارم، ولی او نیامده است و تا او نیاید من از اینجا نمی‌روم. آن مرد جریان را به مردم خبر داد و آنها به سراغ شخص مورد نظر رفتند و او را نزد آن حضرت آوردند. مرد با شرمساری گفت: ای پیامبر خدا! من قرار دیدار با شما را فراموش کردم. ایشان فرمود: اگر نیامده بودی من همچنان در اینجا می‌ماندم.^{۱۹}

در مورد پیامبر گرامی اسلام هم آمده است که ایشان روزی کنار سنگی با شخصی وعده دیدار داشتند.

آفتاب بالا آمد، هوا گرم شد، ولی او نیامد. یاران آن حضرت به ایشان گفتند: خوب است از آفتاب به سایه بیایید. حضرت فرمود: من با او در اینجا وعده دیدار دارم و تا او نیاید از اینجا حرکت نخواهم کرد.^{۲۰}

درباره امام سجاد «علیه‌السلام» نیز آمده است که ایشان از یکی از یاران خویش ده هزار درهم قرض خواست. وقتی که شخص در برابر این مبلغ از حضرت تقاضای رهن کرد، امام نخی از عبای خود کشید و به او داد و فرمود: این وثیقه من است تا موقع ادای دین نزد تو باشد. پس از مدتی، امام پول شخص را آماده کرده و فرمود: پولت حاضر است. وثیقه مرا بیاور. آن شخص که قصد برگرداندن نخ را نداشت، گفت: من نخ عبا را گم کرده‌ام. حضرت فرمود: در این صورت طلب خود را نخواهی گرفت؛ زیرا تعهد با شخصی مثل مرا نباید ناچیز انگاشت. به ناچار مرد نخ عبا را به امام برگرداند و بدهی خود را باز پس گرفت.^{۲۱}

در حقیقت، امام با این عمل به دیگران آموخت که یک نخ ممکن است به تنهایی ارزشی نداشته باشد، ولی وقتی نشانه التزام به یک پیمان باشد، آن قدر ارزشمند است که می‌تواند وثیقه و پشتوانه مبالغ سنگین قرار

هرگاه مشرکی امان بخواهد تا سخن خدا را بشنود، به او امان بده تا کلام الهی را گوش کند، آن گاه او را به جایگاه خود باز گردان

آن کس که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد باید به وعده‌های خود وفادار باشد.

همانا در جهنم شهری است که به آن حصینه (دژ مستحکم) می‌گویند. آیا از من نمی‌پرسید که در آن شهر چیست؟ سؤال شد: ای امیر مؤمنان در آن شهر چیست؟ فرمود: دست‌های پیمان شکنان!

نمی‌کنید».^{۱۴}

در اهمیت حفظ پیمان، همین بس که اگر در میان نبرد، فردی از دشمن بخواهد از منطق اسلام آگاه شود، آن‌گاه درباره گرایش به اسلام تصمیم بگیرد، به حکم قرآن، باید به او امان داد و پیمان بست تا سخن خدا و منطق قرآن را به خوبی بشنود. هرگاه بخواهد به اردوگاه خود بازگردد، باید او را با کمال احترام به آنجا بازگردانید و این حقیقت در این آیه به خوبی منعکس شده است:

﴿وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ﴾^{۱۵}

«هرگاه مشرکی امان بخواهد تا سخن خدا را بشنود، به او امان بده تا کلام الهی را گوش کند، آن‌گاه او را به جایگاه خود باز گردان».

عمل به وعده‌های اخلاقی

برای گروهی از مردم پیمان‌های رسمی اهمیت ویژه‌ای دارند، ولی به وعده‌های اخلاقی خود چندان احترامی نمی‌گذارند. وعده کردن و عمل نکردن نزد آنان جرم و گناهی شمرده نمی‌شود، در صورتی که بی‌اعتنایی به چنین وعده‌های دوستانه‌ای، هر چند جرم به شمار نیاید، از نظر اصول اخلاقی اسلام بسیار نکوهیده است. این رفتار از گونه‌ای کم‌شخصیتی و بی‌اعتنایی به دیگران حکایت می‌کند. پیامبر گرامی اسلام فرمود:

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَبِ إِذَا وَعَدَ»^{۱۶}

«آن کس که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد باید به وعده‌های خود وفادار باشد».

در برخی روایات، عمل به وعده‌های اخلاقی به صورت یک امر واجب مطرح شده است. این نشان دهنده اهمیت عمل به چنین وعده‌هایی

عهد، از جامعه انسانی رخت بر بندد و پیمان‌ها یکی پس از دیگری شکسته شود، سرمایه بزرگ اعتماد عمومی به غارت خواهد رفت و جامعه به ظاهر متشکل، به اجزایی پراکنده تبدیل می‌شود. حضرت علی «علیه‌السلام» می‌فرماید: «لَا تَعْتَمِدُ عَلَيَّ مَوَدَّةٌ مِّنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ؛» «بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی‌کند، اعتماد مکن»^{۲۵}.

پیر پیمانۀ کش من که روانش خوش باد
گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

حافظ

شخص پیمان شکن، افزون بر اینکه اعتبار و ارزش دنیوی خود را از دست می‌دهد، در آخرت نیز با گرفتاری بزرگی رو به‌رو خواهد شد. سرنوشتی که امام علی «علیه‌السلام» آن را چنین ترسیم می‌نماید:

«إِنَّ فِي النَّارِ لَمَدِينَةً يُقَالُ لَهَا الْحَصِينَةُ أَفَلَا تَسْتَلُونِي مَا فِيهَا؟ فَقِيلَ لَهُ مَا فِيهَا يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ فِيهَا أَيُّدِي النَّاكِثِينَ»^{۲۶}
«همانا در جهنم شهری است که به آن حصینه (دژ مستحکم) می‌گویند. آیا از من نمی‌پرسید که در آن شهر چیست؟ سؤال شد: ای امیر مؤمنان در آن شهر چیست؟ فرمود: دست‌های پیمان شکنان!»

بعید نیست اشاره به دست در این روایات، به این خاطر باشد که اغلب پیمان‌ها با قرار گرفتن دست‌های طرفین در یکدیگر انجام می‌شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره توبه (۹) آیه ۱۱۱.
۲. سوره بقره (۲) آیه ۸۰.
۳. سوره رعد (۱۳) آیه ۲۰.
۴. سوره مائده (۵) آیه ۱.
۵. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۶.
۶. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۷. سوره انعام (۶) آیه ۱۵۲.
۸. سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۴.
۹. سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۸.
۱۰. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۴۴.
۱۱. سوره مائده (۵) آیه ۸۲.
۱۲. سوره توبه (۹) آیه ۷.
۱۳. سوره توبه (۹) آیه ۱۲.
۱۴. سوره توبه (۹) آیه ۱۳.
۱۵. سوره توبه (۹) آیه ۶.
۱۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۲.
۱۷. مستدرک، ج ۲، ص ۸۵.
۱۸. سوره مریم (۱۹) آیه ۵۴.
۱۹. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۵.
۲۰. همان.
۲۱. همان، ج ۴۶، ص ۱۴۷.
۲۲. سوره رعد (۱۳) آیه ۲۰.
۲۳. سوره نحل (۱۶) آیه ۹۵.
۲۴. سوره فتح (۱) آیه ۱۰.
۲۵. شرح غرر الحکم و درر الکم، ج ۶، ص ۲۸۳.
۲۶. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۸۶.

بگیرد.

نمونه‌ای دیگر از وفای به عهد

تاریخ از شخصیت‌های برجسته‌ای یاد می‌کند که عمل به پیمان را تا پای جان محترم می‌شمردند. در تاریخ سیاه حجاج می‌خوانیم وی به قتل گروهی فرمان داد. وقتی نوبت به قتل آخرین فرد رسید، صدای مؤذن برخاست. وی آن فرد را به یکی از مأموران خود سپرد که شب مراقب او باشد و او را صبح به دار الاماره بیاورد تا مجازاتش کند. وقتی هر دو نفر از مقر حکومت حجاج خارج شدند، آن فرد به مأمور حجاج رو کرد و گفت: من بی‌جهت گرفتار شده‌ام و به رحمت خداوند امیدوارم. تمنای من این است که به من نیکی کنی و اجازه دهی امشب به خانه خود برگردم و با همسر و فرزندانم وداع کنم و وصایای خود را بگویم، حقوق مردم را ادا کنم و فردا اول وقت پیش تو بیایم. مأمور حجاج از این درخواست در شگفت ماند و گفت، هرگز دیده‌ام مرغ از قفس بپرد و بار دیگر به قفس بازگردد. من چگونه تو را آزاد کنم، در حالی که امیدی به بازگشت تو ندارم. آن فرد گفت: عهد می‌کنم که فردا در اول وقت بازگردم و خدا را بر این عهدگواه می‌گیرم. مأمور حجاج، لحظه‌ای منقلب شد و او را آزاد کرد. وقتی از دیدگاه غایب شد، سخت پشیمان شد و خود را در معرض خشم حجاج دید. آن شب تا صبح نخوابید. صبحگاه، آن مرد به پیمان خود عمل کرد و در خانه مأمور حجاج رازد. تا چشم مأمور به وی افتاد، گفت: چرا آمدی؟ گفت: هر کس عهد کند و خداوند را به آن گواه بگیرد باید به آن وفادار باشد و از سوی دیگر به رحمت پروردگار جهان اطمینان کامل دارم.

مأمور او را به دار الاماره برد و سرگذشت خود را با حجاج در میان نهاد و از وفای او به پیمان خود سخت تعجب کرد. حجاج او را به مأمور بخشید و او نیز مرد را با کمال مهربانی آزاد کرد. هنگام آزاد شدن، از مأمور حجاج سیاس‌گذاری نکرد، ولی فردای آن روز بازگشت و مراتب حق‌شناسی را به جا آورد. علت تأخیر آن را چنین بیان کرد: نجات دهنده واقعی من خدا بود و تو وسیله این کار، اگر اول از تو تشکر می‌کردم، تو را شریک نعمت خدا قرار داده بودم. لازم دانستم نخست از خدا تشکر کنم، آن‌گاه از تو قدردانی نمایم.

و این چنین انسان‌هایی تربیت یافتگان مکتب قرآنند و همواره این کریمه‌ها را با گوش جان‌شان می‌شنوند که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ و لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾؛ «آنها که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند»^{۲۲}.

﴿و لَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾؛ «و هرگز پیمان الهی را به بهای کم مبادله نکنید»^{۲۳}.

پیمان شکنی و پیامدهای منفی آن

به همان اندازه که درباره وفاداری به عهد و پیمان تأکید شده، از پیمان شکنی و بی‌وفایی نکوهش شده است. قرآن کریم، بیشترین زبان ناشی از پیمان شکنی را متوجه شخص پیمان شکن می‌داند و می‌فرماید:

﴿قَمَنَ نَكَثٌ قَاتِمًا يَنْكُثُ عَلَيَّ نَفْسِيهِ﴾^{۲۴}.

«هر کس پیمان شکنی کند در حقیقت به زیان خویش پیمان شکنی کرده است.»

سلب اعتماد عمومی، آسیب دیگر پیمان شکنی است. احساس اعتماد متقابل، پشتوانه محکمی برای فعالیت‌های اجتماعی است. اگر وفای به